

یکی از چشم گیرترین تغییرات در دو سال قبل از انقلاب، گسترش استفاده از حجاب در میان زنان حتی در میان زنان تحصیل کرده بود. در تظاهرات و راه پیمائی ها، بسیاری از زنان، نه همه آنها، حجاب داشتند و این عمل آنها جهانیان را شوکه کرد. پوشیدن چادر راهی برای جلوگیری از شناسائی آسان تظاهر کنندگان به وسیله ساواک بود و حرکتی سمبلیک علیه سیاست های غربی سازی افراطی شاه قلمداد می شد. پرسش هایی که هنوز بی پاسخ مانده (حتی برای بسیاری از ایرانی ها) یکی این است که چرا رواج مجدد و ناگهانی شور مذهبی اتفاق افتاد؟ بخش عمده حامیان آیت الله خمینی، زنان شهری بی سواد از طبقات پائین بودند. همانطور که این اتفاق طی انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ افتاد. این زنان با تشویق روحانیت

رژیم شاه با وجود ادعاهای ترقی خواهانه اش، حقوق زنان را هر موقع که به لحاظ سیاسی مفید می دانست، نادیده می گرفت و این امر از چشم اعضای روشنفکر و تیزبین سازمان زنان ایران پنهان نماند. عجب آنکه دولت در عین حال اصرار به این نکته داشت که آیت الله خمینی مخالف حقوق زنان است و در این میان آیت الله خمینی استعمار زنان تحت رژیم پهلوی را محکوم می کرد. البته حقوق زنان مسئله اصلی مشاخره و کشمکش نبود بلکه این موضوع همراه با دیگر مسائل اجتماعی و سیاسی مطرح می شد. جالب آنکه عضلی به نام حقوق زنان همواره نقطه درگیری پس از انقلاب مشروطه و در سال های اول حکومت رضاشاه و همچنین پس از اخراج او و حتی در دوران مصدق بوده است. در واقع موضوع حقوق زنان هیچ گاه بدون چالش و مشاخره در ایران مطرح نبوده است.



احزاب سیاسی ایران

جنبش های زنان در ایران

محمود نفیسی



آنان از جنبش ضد شاه حمایت کردند. آنها آتش زدن ها و تهدید به بمب گذاری را حيله ساواک قلمداد کردند نه کار انقلابيون. مردم، آيت الله خميني را نه شخصيتي متناقض و پرابهام بلکه یک مُنجی، یک پاسخ و راه حلی برای دیکتاتوری ایران می دیدند. یکی از مقامات سازمان زنان ایران به من گفت: «جنبش ضد شاه جنبشی واقعی بود و ما نمی توانستیم تصویری غیر از بهترین گزینه ممکن از آن در ذهن خود بپرورانیم. همه گروه ها تلاش می کردند تا بیشترین اعتبار را به این جنبش ببخشند و آن را تأیید کنند.»^(۲) زنان باسواد و تحصیل کرده به شایعاتی مبنی بر اینکه آیت الله خمینی و دیگر رهبران مذهبی ضد حقوق زنان هستند با شک و تردید می نگریستند. آنها فکر می کردند چنین شایعاتی نقشه ای برای تضعیف حمایت زنان از جنبش ضد شاه است. این باور خالصانه و ساده نگرایانه در رفتار آنان نیز نمود داشت. زنان در خیابان ها تظاهرات می کردند و شعارهایی به طرفداری از آیت الله خمینی می دادند و در عین حال خواستار حقوق اقتصادی- سیاسی و اجتماعی می شدند. آیا آنها فریب خورده بودند؟ مذهب اسلام در مورد موقعیت زنان صراحت دارد و بطور تقریب همه مفسران قرآن مرد بوده اند. یک رهبر مذهبی می توانست در مورد بسیاری از مسائل دیگر به جز حقوق واقعی زنان انعطاف نشان دهد، اما این مسأله به راحتی از چشم زنانی که مدرن شده بودند اما درک درستی از موقعیت خود نداشتند پنهان ماند. طنز قضیه آن بود که رهبران مذهبی سرشناس تلویحاً به این مسأله

یکی از دلایل احتمالی حمایت گسترده زنان از آیت الله خمینی می تواند موقعیت این رهبر مذهبی در جنبش ضد شاه باشد. جنبش ضد شاه از جنبه ای به مسئله حقوق زنان حمله نکرد.

تا زندگی شان را خود انتخاب کنند اما رژیم شاه در صدد است تا جلوی آزاد شدن زنان را با انداختن آنها در ورطه بی بند و باری بگیرد. اسلام بر عکس زنان را سرفراز می کند. این رژیم آزادی زنان را مانند مردان گرفته است.» این نوع پاسخ راه را برای تفاسیر مختلف در مورد حقوق زنان باز می گذاشت. زنان به تدریج متقاعد می شدند و اطمینان می یافتند که جنبش ضد شاه جنبشی ضد زن نیست. هدف سرنگونی سلطنت و استقرار جمهوری بود نه سرکوب زنان. پیام واضح و مشخص و تبلیغات موفقیت آمیز بود. میلیون ها زن ایرانی از این جنبش حمایت کردند. در چند ماهه آخر حتی بسیاری از اعضای سازمان زنان ایران و کارمندان به صفوف طرفداران آیت الله خمینی پیوستند. به رغم این واقعیت که ۱۰ شعبه سازمان زنان سوزانده شد و کارکنان ثابت سازمان زنان در اداره مرکزی تهران مجبور شده بودند به واسطه تهدید به بمب گذاری ساختمان محل کارشان را به دفعات ترک کنند، با این همه تهدیدها باز هم

و بطور احتمال افراد مذکر خانواده خود به خیابان ها آمدند. این گروه از زنان بیش از ۵۰ درصد از کل جمعیت زنان در مناطق شهری را تشکیل می داد. حمایت این زنان از آیت الله خمینی یا در واقع از هر رهبر مذهبی دیگر جای تعجب نداشت. تعجب آنجا بود که زنان باسواد و حتی تحصیل کرده از آیت الله خمینی پشتیبانی می کردند، با وجود آنکه آیت الله خمینی با حق رأی زنان در سال ۱۳۴۲ مخالفت کرده بود و به اصول غیر منعطف و افراطی خود در مورد موقعیت زنان وفادار بود.^(۱) چنین حمایت گسترده ای از یک رهبر مذهبی که پیشینه مواضع او درباره حقوق زنان رضایت بخش نبود، باید دو دلیل عمده داشته باشد. یکی از دلایل احتمالی آن می تواند موقعیت این رهبر مذهبی در جنبش ضد شاه باشد. جنبش ضد شاه از جنبه ای به مسئله حقوق زنان حمله نکرد. آیت الله خمینی درباره حقوق زنان اظهار نظر خاصی نمی کرد و در این مورد کمتر صحبت می کرد اما هر موقع نیز حرفی می زد، اظهارنظرهای کلی و خوشایند زنان بود. مصاحبه ذیل که توسط نشریه لوموند در می ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) به چاپ رسید به روشنی شیوه آیت الله خمینی را برای جذب حمایت زنان نشان می دهد. وقتی در این مصاحبه از او سؤال شد که نظرش درباره موقعیت زنان چیست، پاسخ داد: «و اما زنان، اسلام هیچ گاه مخالف آزادی آنان نبوده است. برعکس اسلام مخالف آن است که به زن همچون شیء نگریسته شود، اسلام شأن و منزلت زن را به او باز می گرداند. زن مکمل مرد است، زن و مرد هر دو آزادند

که در آینده سرکوب زنان جایز شمرده خواهد شد اشاره می کردند. حتی آیت الله شریعتمداری که بعدها در نشریات غربی، فردی میانه شناخته شد که مخالف تفسیر و قرائت آیت الله خمینی از جمهوری اسلامی بود، در دسامبر ۱۹۷۸ در مصاحبه ای با نیویورکر تأکید کرد که مخالف برنامه تنظیم خانواده است، زیرا ایران کشوری با جمعیت زیاد از حد نیست و با سقط جنین نیز به خاطر آنکه آن را قتل می داند مخالف است. همچنین مخالفت خود را با مدارس مختلط نیز به دلیل آنکه ارزش های اخلاقی جوانان را فاسد می کند، اعلام کرد.^(۳) به طور کلی روحانیت در بخش های مختلف کشور خواستار لغو قانون حمایت خانواده و آزادی کامل برای تعدد زوجات - بدون شرط دادگاه یا اجازه زن اول - گسترش حجاب و جلوگیری از مدارس مختلف بودند. آنها می گفتند اسلام به زنان به عنوان انسان، آزادی کامل می دهد ولی نه به عنوان «عروسک های» غربی که رژیم پهلوی قصد دارد از زنان بسازد. تنها زنان انگشت شماری زحمت تحلیل مواضع آیت الله خمینی یا دیگر روحانیون درباره زنان را به خود می دادند. در حالی که بسیاری از زنان از مواضع آیت الله خمینی در مورد زنان خیر نداشتند.

گروه های مختلف مانند فدائیان، مجاهدین، حزب توده ایران و احزاب جبهه ملی از چپ افراطی تا راست افراطی هر یک تلقی خاص خود را از حقوق زنان داشتند. پیام های آنان با پیام آیت الله خمینی در هم می آمیخت و غیر قابل تمایز می شد. برای نمونه سازمان کارگران ایران لیستی از خواسته های خود را به وزارت کار و امور اجتماعی ارائه کرد. یکی

از این خواسته ها تجدید نظر در حقوق زنان کارگر با تأکید ویژه بر مرخصی زایمان بود. مجاهدین (که به عنوان مارکسیست های اسلامی شناخته می شدند) در راستای دیدگاه چپ ها و نیز دغدغه های مذهبی خودشان، در عین حال که زنان را ترغیب به پوشیدن حجاب می کردند، از حقوق آنان نیز سخن می گفتند. گروه های چپ گرای دیگر بنا بر تفسیری از مارکسیسم مدعی بودند در جامعه سوسیالیستی، زنان به حقوق شان دست خواهند یافت، در آن دوره مسأله حقوق زنان مطرح می شد اما نه به شکلی مستقل، زنان تحصیل کرده باسواد نیز مانند اکثر مردم به انقلاب دل بستند. آنچه زنان از آن حمایت می کردند لزوماً آیت الله خمینی نبود بلکه بیشتر جنبش ضد شاه بود اما به چند دلیل این دو یکی شدند و یکدیگر را توجیه می کردند. این مسأله در مصاحبه هایی که انجام شد بطور کامل آشکار بود. تمامی دختران دانشجویی که با آنها مصاحبه شد از انقلاب و رهبری آیت الله خمینی پشتیبانی می کردند. یکی از آنان

بطور احتمال دومین دلیل

حمایت زنان از آیت الله خمینی

(بویژه زنان طبقه متوسط رو به

پائین) فضای سیاسی و اجتماعی

حاکم بر ایران بود.

می گفت در دوران انقلاب کلمات و کارهای آیت الله خمینی به گسترش انقلاب کمک می کرد و در آن بُرهه زمانی خاص رهبری او بطور کامل تثبیت شده و ریشه دار بود. بطور احتمال دومین دلیل حمایت زنان از آیت الله خمینی (بویژه زنان طبقه متوسط رو به پائین) فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران بود. همانطور که گفته شد ایران در ۱۳۵۷ به ملغمه ای پر تناقض از ارزش های سنتی و ارزش های غربی تبدیل شده بود. برنامه های توسعه بر اساس نیازهای محلی و یا همراه با بسترسازی برای این برنامه ها، صورت نمی گرفت بلکه گرته برداری صرف از الگوی کشورهای سرمایه داری غربی و پیاده کردن غیرخلاق آن در ایران بود. سیستم حاکم نه تنها به خاطر وجود انبوه این تعارضات بلکه همچنین از طریق زنان شهری از پای درآمد. زنان طبقه بالا و طبقه متوسط رو به بالا با تجمل گرایی افراطی خود را ارضاء می کردند. زندگی آنها در دایره آخرین مدل و سبک اروپائی و مسافرت های دائم به خارج و پرداختن به سرگرمی های پر خرج در چشم و هم چشمی با یکدیگر و تکاپو برای ظاهر شدن در آخرین مدل^(۴) می چرخید. اما طبقه متوسط، در هزارتوی خانه و محله های خود گرفتار ارزش های سنتی بودند و از سوی دیگر تجملات و غربی شدن افراطی که ثروتمندان حامی آن بودند و در رسانه ها و تبلیغات و آگهی های بازرگانی در سراسر ایران منعکس می شد از دید آنها و جامعه پنهان نبود. وقتی بسیاری از زنان جوان طبقه متوسط پائین و طبقه متوسط سنتی وارد دبیرستان بویژه

عمل این جنایت می تواند بر اساس سوء ظن صرف از یک رابطه انجام شود و مبنای این سوء ظن در قانون نادیده گرفته شده است) در کشوری که یک زن مانند مرد حق طلاق ندارد، در کشوری که زن حق اجازه مسافرت به خارج از کشور بدون اجازه کتبی شوهر ندارد و در کشوری که هنوز دختران را در سن بسیار کم به زور شوهر می دهند، درخواست آموزش جنسی در مدارس بی معنا و نامعقول است.

ادامه دارد

پانویس:

- ۱- مواضع آیت الله خمینی درباره زنان در رساله او که بعد از انقلاب به چاپ رسید توضیح و مطرح شده است. برای آگاهی بیشتر به مصاحبه اورینا فلاچی با آیت الله خمینی مراجعه کنید.
- ۲- New York Times, october ۱۹۷۸ page ۲۵
- ۳- Josepn Kreft, Letter from Iran, New yorker, December ۱۸ ۱۹۷۸ p ۱۲۶, ۱۲۷
- ۴- Siasl (Self Role perception) p ۲۷
- ۵- New york times Dec ۱۷ ۱۹۷۸ page ۱۷
- ۶- این اطلاعات از طریق یکی از مقامات سازمان زنان به دست آمده و تلویداً در مجله نیویورک تایمز؛ ۳۰ جولای ۱۹۷۷؛ صفحه ۲۰ به این مسأله اشاره شده است.

ایران در ۱۳۵۷ به ملفه ای پر تناقض از ارزش های سنتی و ارزش های غربی تبدیل شده بود. برنامه های توسعه بر اساس نیازهای محلی و یا همراه با بسترسازی برای این برنامه ها، صورت نمی گرفت.

سنتی در خانه - منسجم ترین نهاد زندگی ایرانیان - با شدت و حدت بسیار اعمال می شد. محیط بیرون از خانه از ارزش هایی متضاد و مخالف پشتیبانی می کرد. برای نمونه بر اساس گزارشی تعدادی از زنان تحصیل کرده در صدد بودند از طریق فشار بر مجلس اجازه برگزاری کلاس های آموزشی جنسی در مدارس را بگیرند. (۶)

در کشوری که قانون بطور صریح به مرد اجازه می دهد تا همسرش، دخترش و خواهرش را، چنانچه آنها را همبستر با مرد دیگری ببیند، هم مرد و هم زن را بکشد، (در

دانشگاه می شدند، در فضاهای عمومی بطور مستقیم در معرض تناقضات موجود بین ارزش های سنتی شان و تقلید از ارزش های غربی قرار می گرفتند. بطور احتمال همین فشارهای سنگین و نامعقول ناشی از گرفتار شدن بین این دو نوع ارزش بطور کامل افراطی، آنان را به سوی جنبش احیای حق کشاند. اظهار نظر دختر دانشجویی که در رشته جامعه شناسی دانشگاه پهلوی - دانشگاه شیراز فعلی - تحصیل می کرد، به روشنی بیانگر احساس و تلقی بسیاری از زنان این قشر است: «هنگامی که تازه وارد دانشگاه شدم، اساتید می گفتند باید پسری را که به او علاقه مند هستیم ببوسیم. حتی اگر دلمان می خواهد می توانیم با مردی بخوابیم. با این همه در درون مان پر از اضطراب و ناامنی بود. احساس می کردیم این عشق معنوی است که اهمیت دارد. حالا احساس امنیت بیشتری می کنیم چون اسلام به ما می گوید آنچه حس می کردیم درست است. اسلام به ما می گوید چطور زندگی کنیم. (۵) در حالی که ارزش های

هزینه ماهانه برق خانه خود را کاهش دهید



به راحتی و مجاناً و با اطمینان کامل

713-973-8686 Adam

فرآورده های بهداشتی و آرایشی

دکتر گلشاهی

در هوستون

برای دریافت فرآورده های

Cosmetic Anti-Age

با من Olga Flores تماس بگیرید

10% Glycolic Acid Facial Cream • Moisturizing Cream
Skin Rejuvenation Cream

832-878-4984